



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Volume 4, Issue 4, 2024

The Role of Regulations and Judicial Procedure in Reforming Criminal Prevention Methods in Sexual Crimes

Seyed Mohammad Mousavi¹, Mahdi Chegeni^{*2}, Mohammad Rezaei³

1. PhD Student, Department of Law, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

2. Associate Professor, Department of Law, Ayatollah Azami Borujerdi University, Borujerd, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 75-86

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-2942-0642

TELL: +989354096531

Email: chegeni_isu@yahoo.com

Article history:

Received: 01 Apr 2024

Revised: 05 Jun 2024

Accepted: 11 Jul 2024

Published online: 21 Dec 2024

Keywords:

Sexual Crimes, Judicial Procedure, Criminal Prevention, Criminalization.

ABSTRACT

Sexual crimes have been among the crimes against chastity and morals, which have been criminalized by the legislator of the Islamic Penal Code and according to that, appropriate punishments have been considered for the occurrence of this crime. Sexual crimes are one of the challenges in today's societies that must be examined from different aspects in order to obtain comprehensive and complete results. Victims of sexual crimes are part of vulnerable groups due to their special characteristics and since committing sexual crimes plays a very important role in the family and society, these victims will endure severe consequences that make them need support in order not to become secondary victims. makes a special Prevention methods by judicial authorities, including bailiffs, are comprehensive and comprehensive. Therefore, in this article, let's examine the characteristics of legislation and the role of judicial procedure in reforming criminal prevention methods in sexual crimes and evaluate the issues related to it.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Mousavi, SM; Chegeni, M & Rezaei, M (2024). "The Role of Regulations and Judicial Procedure in Reforming Criminal Prevention Methods in Sexual Crimes". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(4): 75-86.



انجمن علمی فقه‌جرای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌جرای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌جرای تطبیقی

دوره چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۳

نقش قوانین، اقدامات تأمینی و رویه قضایی در اصلاح روش‌های پیشگیری کیفری در جرایم جنسی

سیدمحمد موسوی^۱، مهدی چگنی^{۲*}، محمد رضائی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه آیت اله العظمی بروجردی، بروجرد، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

چکیده

جرایم جنسی یکی از چالش‌های موجود در جوامع امروزی است که باید از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار بگیرد تا نتیجه‌ای جامع و کامل را در دست قرار دهد. بزه‌دیدگان جرایم جنسی به دلیل دارابودن ویژگی‌های خاص، جزء اقشار آسیب‌پذیر هستند و از آنجایی که ارتکاب جرایم جنسی نقش بسیار مهمی در خانواده و جامعه دارد، این بزه‌دیدگان پیامدهای شدیدی را تحمل خواهند کرد که آنان را به جهت بزه‌دیده واقع‌نشدن ثانویه، نیازمند حمایت ویژه‌ای می‌سازد. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی نقش قوانین و رویه قضایی در اصلاح روش‌های پیشگیری کیفری در جرایم جنسی است. این مقاله توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته شده است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد عدم تناسب جرم‌انگاری اعمال جنسی در قوانین جزایی با مصادیق قابل وقوع آن بین افراد، تمایز مجازات تازبانه از مجازات شلاق تعزیری، عدم وجود انسجام قانونی از حیث تطبیق با اهداف پیشگیرانه کیفری در جرم‌انگاری فعالیت غیرمجاز در امور سمعی و بصری در دوره‌های مختلف قانون‌گذاری از ایرادات مهم مربوط به قوانین است که لازم است در راستای اصلاح روش‌های پیشگیری کیفری در جرایم جنسی مورد توجه قرار گیرد. نحوه به‌کارگیری اقدامات تأمینی و تعلیق اجرای مجازات در اقدامات قضایی پیشگیرانه نیز از موضوعات مهم در زمینه اقدامات تأمینی است که اصلاح روش‌های پیشگیری کیفری در جرایم جنسی تأثیرگذار است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۵-۸۶

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۲۹۴۲-۰۶۴۲

تلفن: ۹۸۹۳۵۴۰۹۶۵۳۱+

ایمیل: chegeni_isu@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳/۰۱/۱۴۰۳

تاریخ ویرایش: ۱۶/۰۳/۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۱/۰۴/۱۴۰۳

تاریخ انتشار: ۰۱/۱۰/۱۴۰۳

واژگان کلیدی:

جرایم جنسی، رویه قضایی، پیشگیری کیفری، جرم‌انگاری.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

پسران نیز هرساله دچار تجاوز و آزار جنسی می‌شوند. صرف نظر از سن و جنسیت، تأثیر و پیامدهای تجاوز و آزار جنسی فراتر از هرگونه آسیب جسمانی است. آسیب‌دیدگی در اثر تجاوز جنسی یا آزار جنسی می‌تواند به شدت تخریب‌کننده باشد. این تجربه ممکن است باعث شود بزهدیده احساس ترس، شرمندگی، تنهایی کرده و یا گرفتار کابوس، مرور مجدد صحنه‌های دلخراش و سایر خاطرات ناخوشایند شود. بنابراین اهمیت و ضرورت بررسی تطبیقی جرم تجاوز جنسی در حقوق ایران از این حیث است که با ملاحظه خلأهای قانونی و اجرایی کشور، می‌توان به راهکارهای مناسبی جهت پیشگیری یا مقابله کیفری با این جرم جنسی اندیشید.

بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که قوانین و رویه قضایی چه نقشی در اصلاح روش‌های پیشگیری کیفری در جرایم جنسی ایفا می‌کند؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا تعرض جنسی و جرم‌انگاری آن از سوی قانون‌گذار بررسی شده، سپس از ویژگی‌های قانون‌گذاری و نقش رویه قضایی در اصلاح روش‌های پیشگیری کیفری بحث شده و در ادامه به بررسی کارکرد اقدامات تأمینی و تعلیق اجرای مجازات در پیشگیری از جرایم جنسی و خلاف عفت عمومی با توسل به اقدامات قضایی پرداخته شده است.

۱- تعرض جنسی و جرم‌انگاری آن از سوی قانون‌گذار

«عبارت تعرض جنسی یک ترکیب وصفی متشکل از دو واژه تعرض و جنسی است. تعرض از اسم مصدر عربی در باب تفعّل است و در لغت‌نامه دهخدا در برابر نقصان، مزاحمت، اعتراض و مخالفت آمده است و تعرض کردن که یک مصدر مرکب است به معنی مخالفت و ممانعت‌نمودن، بازداشتن و دست‌درازی کردن، آسیب‌رسانیدن، آزار دادن و گزند رسانیدن آمده است» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۸۰۴). «در فرهنگ فارسی معین کلمه جنسی به‌معنای منسوب به جنس، آنچه به امور شهبوانی مربوط می‌باشد و اعمال جنسی آمده است و واژه جنس با تعبیری نظیر قِسم، کلی که شامل انواع متعدد باشد، مردی و زنی، رجولیت و انوثیت، کالا و متاع معنی شده است» (معین، ۱۳۸۱: ۱۲۴۶). همچنین در آخر فرهنگ‌نامه

مسأله اساسی این پژوهش حاکی از این است که در قوانین کیفری جوامع مختلف، تجاوز به‌عنوان یکی از جرایم جنسی جرم‌انگاری شده است. در فقه امامیه و همچنین قانون مجازات اسلامی از تجاوز جنسی تحت عنوان زنای به عنف و اکراه یاد شده است که می‌توان عنوان نمود تجاوز جنسی پوشش‌دهنده تجاوز به عنف می‌باشد. براساس ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی: «در صورتی که زنا به عنف و خشونت واقع شود، مجازات فاعل اعدام می‌باشد.» برای این که عنف تحقق پیدا کند، می‌بایست بزهدیده راضی به رابطه جنسی نبوده و با زور و اجبار تن به رابطه داده باشد و همین اجبار و اکراه، سبب تشدید مجازات مرتکب می‌شود، البته تجاوز جنسی فقط اکراه و اجبار را شامل نشده و اگر رابطه جنسی با حیله و فریب هم واقع شود، در حکم تجاوز به عنف می‌باشد. براساس تبصره ۲ ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد، در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند، رفتار او در حکم تجاوز جنسی است. در زنا از طریق اغفال و فریب‌دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید یا ترساندن زن، اگرچه موجب تسلیم‌شدن او شود نیز حکم فوق جاری است.»

علاوه بر مجازات اعدام، قانون‌گذار در ماده ۲۳۱ قانون مجازات اسلامی، مرتکب را به پرداخت ارش‌البکاره و مهرالمثل را نیز به‌عنوان ضمانت اجرای مدنی تجاوز و راهکاری برای حمایت از بزهدیدگان زن مورد تجاوز جنسی، تعیین کرده است که: «در موارد زنای به عنف در صورتی که زن باکره باشد، مرتکب علاوه بر مجازات مقرر، به پرداخت ارش‌البکاره و مهرالمثل نیز محکوم می‌شود و در صورتی که باکره نباشد، فقط به مجازات و پرداخت مهرالمثل محکوم می‌گردد.»

در بیان اهمیت و ضرورت باید اذعان داشت تجاوز به‌عنوان یک خشونت جنسی، به‌طور تکان‌دهنده‌ای در جوامع ایران رایج است. براساس گزارش مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها، جمعیت معناداری از زنان در یک دوره از زندگی خود، اغلب توسط کسانی که آن‌ها را می‌شناسند و به آن‌ها اعتماد دارند، مورد تجاوز یا آزار جنسی قرار می‌گیرند. حمله جنسی فقط به زنان محدود نمی‌شود. بسیاری از مردان و

چشم‌چرانی فاقد هرگونه تماس و رابطه نزدیکی جنسی است و مبتنی بر ایجاد ترس و اعمال زور نیست.

دقیقاً همین ایراد درخصوص تعریف دوم و سوم نیز وارد است، در این تعاریف تعرض جنسی یک تماس جنسی بدون رضایت طرف مقابل معرفی شده است، در صورتی که همان‌طور که گفته شد، مصادیقی از تعرضات جنسی وجود دارد که ممکن است بدون هیچ تماسی با مجنی‌علیه واقع شوند.

تعریف دقیق تعرض جنسی عبارت است از: «هر فعلی که نسبت به دیگری واقع شود با این شرط که اولاً دارای ماهیت جنسی باشد؛ ثانیاً برخلاف میل و رضایت مجنی‌علیه ارتکاب یابد و یا این‌که مجنی‌علیه اهلیت اظهار و اعلام رضایت را نداشته باشد.»

در نظام قانون‌گذاری کیفری منبعث از موازین شرعی، قانون‌گذار جرایم جنسی و خلاف عفت عمومی را در دو مبحث کلی حدود و تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده طبقه‌بندی می‌نماید.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ - تا قبل از نسخ صریح آن - در بخش حدود و کتاب پنجم همین قانون در بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ به‌عنوان اصلی‌ترین منبع قانونی این دسته از جرایم محسوب می‌شد.

در حال حاضر کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده و قانون آزمایشی مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در بخش حدود لازم‌الاجرا و دارای اعتبار است.

۲- نقش قوانین در اصلاح روش‌های پیشگیری کیفری از جرایم جنسی

در این قسمت ضمن بررسی متون قانونی که در حال حاضر قابل اجرا هستند و تأمل در روش‌های پیشگیری واکنشی که از سوی مقنن اتخاذ شده است، در مباحث اول تا چهارم سعی شده است تا با بیان ویژگی‌های کاربردی آن‌ها، سوابق قانون‌گذاری در مورد موضوعات هریک از مباحث دنبال شده و با نگرشی نقادانه از حیث اشکالات کاربردی یا تطبیق با واقعیات اجتماعی مورد کنکاش قرار گیرد. در عین حال نتیجه

دهخدا در مقابل کلمه جنسی چنین آمده است: «در اصطلاح متداول امروزی آنچه مربوط به امور شهوانی باشد، مانند اعمال جنسی یا مسائل جنسی به معنی مسائل مربوط به غریزه جنسی» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷۸۷۶). همان‌طور که مشاهده می‌شود، «واژه جنسی در ترکیب وصفی تعرض جنسی اشاره به غریزه جنسی دارد. غریزه جنسی یکی از گرایش بسیار مهم و قوی انسان است که عامل اصلی گرایش دو جنس مخالف (زن و مرد) به یکدیگر و تولید مثل و بقای نسل است. این غریزه به‌دلیل قوت و قدرت خود ممکن است تحت تأثیر عوامل مختلف تربیتی، اخلاقی، دینی و اجتماعی قرار گرفته و رفتار و روش زندگی فرد را کاملاً دگرگون سازد» (شریفی حضارتی، ۱۳۹۰: ۴۳-۴۴).

«تعرض جنسی درواقع نوعی رابطه جنسی غیرقانونی برحسب زور و ترس است که ممکن است توسط غریبه و یا افرادی که قربانی، آن‌ها را می‌شناسد، ارتکاب یابد. تعرض جنسی اغلب توسط مردان به زنان صورت می‌گیرد، اما تعرض از سوی هم‌جنسان و خصوصاً مردان به یکدیگر نیز وجود دارد» (محمدی اصل، ۱۳۸۸: ۴۱). «تعرضات جنسی به معنای هرگونه تماس جنسی با دیگری بدون وجود رضایت وی و یا درحالی‌که آن شخص اهلیت رضایت‌دادن ندارد، آمده است» (سوزان، ۲۰۰۶: ۳۲). «تعرض جنسی یک تماس خصمانه و تهاجمی نسبت به شخص دیگر و اعم از تجاوز است» (گارنر، ۱۹۹۹: ۱۱۰).

نگارندگان با تعاریف ارائه‌شده از تعرضات جنسی موافق نیست و از دیدگاه ما انتقادی بر این تعاریف وارد است و آن این‌که هیچ‌یک از آن‌ها جامع نیستند و بسیاری از مصادیق تعرضات جنسی را دربر نمی‌گیرند. در تعریف اول تعرضات جنسی یک رابطه جنسی غیرقانونی معرفی شده است. آنچه که از رابطه جنسی بر ذهن متبادر می‌شود، وجود یک برخورد و تماس با ماهیت جنسی طرفینی است و استفاده از تعبیر «برحسب زور و ترس»، در تعریف ارائه‌شده، قرینه‌ای است بر فهم این‌که نگارنده وجود یک برخورد و تماس نزدیک را شرط تعرض جنسی دانسته است، در صورتی‌که همان‌طور که در آینده خواهد آمد، بسیاری از مصادیق تعرضات جنسی همچون

وجود رابطه خویشاوندی نسبی بین افراد، عمل مذکور ممنوعیتی پیش‌بینی نشده، حتی اگر مبتنی بر تمایلات انحرافی هم‌جنس‌بازانه باشد.

۲-۲- تمایز مجازات تازیانه از مجازات شلاق تعزیری

قانون‌گذار کیفری به شرح ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، اقسام پنج‌گانه مجازات‌های مقرر در آن را احصا نموده و در مقام تعریف آن عناوین و بیان مصادیق، به شرح مواد بعدی، مجازات شلاق را در ماده ۱۶ این قانون ذیل عنوان تعزیر ذکر نموده است و در هیچ‌یک از مواد مذکور به مجازات تازیانه اشاره‌ای نشده است. با این حال با مطالعه متن قانون مجازات اسلامی در مواردی که جرم مشمول حدی پیش‌بینی شده - با این‌که در تعریف قانونی حد، این اصطلاح به‌کار نرفته - به‌جای لفظ شلاق از تازیانه استفاده شده است. به نظر می‌رسد قانون‌گذار به‌لحاظ اهمیت جرایم مشمول حد و لزوم توجه بیشتر به شدت مجازات آن از حیث کیفیت با استخدام لفظ تازیانه برای مجازات این جرایم به کیفیت اجرای آن توجه داشته و این امر را به‌نحوه اجرای مجازات معطوف نموده است، بدون این‌که تصریحی در تفاوت معنای دو اصطلاح شلاق و تازیانه در متن قانون موجود باشد.

با نگرش در مفاد تعدادی از قوانین و آیین‌نامه‌های ناظر به نحوه اجرای حکم یا مربوط به پیش‌بینی مجازات‌های متمیمی، رویکرد پیشگیرانه کیفری واضح متون الزام‌آور مذکور، در نحوه تنظیم عبارات به چشم می‌خورد. بدیهی است با در نظر گرفتن سیاست جنایی در معنای موسع، پیش‌بینی‌های مذکور نیز در زمره اجرای سیاست جنایی کشورمان در زمینه‌های مربوط به جرایم جنسی محسوب می‌شود، حتی اگر بعضاً دایره شمول وسیع‌تری را دربر گیرد.

۲-۳- عدم وجود انسجام قانونی از حیث تطبیق با اهداف پیشگیرانه کیفری در جرم‌انگاری فعالیت غیرمجاز در امور

سمعی و بصری در دوره‌های مختلف قانون‌گذاری

بررسی سیر قانون‌گذاری کیفری در مورد آثار سمعی و بصری غیرمجاز و عناصر مادی جرم‌انگاری‌های انجام‌شده، تمرکز قانون‌گذار بر اهداف پیشگیرانه مشخص و مسائلی که جامعه با آن درگیر است را در مقاطع زمانی متفاوت، نمایش نمی‌دهد.

حاصله از تعمق در این موارد که - تجارب قضایی نگارنده نیز به تنظیم آن‌ها کمک نموده است - می‌تواند در جهت اصلاح وضعیت موجود، مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

۲-۱- عدم تناسب جرم‌انگاری اعمال جنسی در قوانین جزایی با مصادیق قابل وقوع آن بین افراد

پیشرفت تکنولوژیک علوم ارتباطی در جهان امروزی که آن را به یک دهکده با قابلیت دسترسی راحت و سریع به اطلاعات گوناگون در فرهنگ‌های مختلف شبیه می‌سازد، باعث رسوخ نمادهای اخلاقی و فرهنگی جوامع در یکدیگر می‌شود. در پیروی از این قاعده اعمال جنسی که به‌موجب قوانین کیفری ایران در محدوده خاصی جرم‌انگاری شده‌اند، دچار تنوع بیشتری از حیث شکل ارتکاب آن گشته است، به‌نحوی که قوانین موجود در تعریف عناصر مادی جرایم مذکور، تمام مصادیق آن را شامل نمی‌شود. به‌عنوان مثال در اعمال جنسی مبتنی بر هم‌جنس‌بازی بین مردان، تنها به مواردی همانند لواط و تفریخ و در اعمال جنسی مبتنی بر هم‌جنس‌بازی صرفاً به ذکر عنوان مساحقه اکتفا شده است.

تعاریف موجود، تمام اعمال جنسی متصوره را دربر نمی‌گیرد. اعمال منحرفانه جنسی مانند لیسیدن آلت طرف جنسی، دخول آلت در دهان طرف مقابل، تماس‌های بدنی با قصد التذاذ جنسی در صورتی که بین دو هم‌جنس صورت گیرد، با عناوین مجرمانه موجود تطبیق نمی‌نماید، در عین حال اعمال منحرفانه دیگری مانند ریختن مایعات جنسی بر بدن طرف مقابل یا خوردن مایعات جنسی و دستگاه تناسلی طرف جنسی اعم از این‌که بین دو هم‌جنس صورت گیرد یا طرفین ارتکاب آن‌ها غیرهم‌جنس باشند، مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفته است. در عوض عناوینی در قانون پیش‌بینی شده که با زمان حاضر قابل تطبیق نیست و ارکان آن به‌ندرت محقق خواهد شد. به‌عنوان مثال قرارگرفتن دو مرد یا دو زن در یک عمل هم‌جنس‌بازانه به‌طور برهنه زیر یک پوشش با وجود عدم خویشاوندی نسبی و بدون ضرورت به‌منظور التذاذ جنسی کمتر اتفاق می‌افتد و در صورت اتفاق افتادن نیز توأم با سایر اعمال جنسی خواهد بود، لذا ذکر این عمل به‌تنهایی، خصوصیتی ندارد. در عین حال در صورت ارتکاب این عمل و

قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ با اصلاحات بعدی در ماده ۲۱۳ مکرر اعمال خاصی را در ارتباط با نوشته‌ها، «طرح، گراور یا نقاشی یا تصاویر، مطبوعات یا اعلانات یا علائم یا فیلم سینما و به‌طور کلی هر شیء دیگری را که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار نماید، جرم‌انگاری کرده بود، نگهداری یا ساختن اشیای مذکور برای تجارت یا توزیع یا معرض انظار عمومی گذاردن، صادرات یا واردات اشیای مذکور یا انتشار آن‌ها، تجارت اشیای مذکور یا واسطه‌شدن برای معامله آن‌ها و تشویق دیگران به معامله اشیای مذکور از طرق مختلف در زمره این اعمال محسوب می‌شدند.» این نوع از جرم‌انگاری درحالی صورت می‌گرفت که تکنولوژی پیشرفته‌ای که امروزه در زمینه امور سمعی و بصری، از آن بهره‌مندیم، وجود خارجی نداشته است. پس از سپری شدن قریب ۶۰ سال از تصویب قانون مذکور، به‌موجب ماده ۱۰۴ از بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۸ مرداد ۱۳۶۲ قانون‌گذار، تقریباً با استفاده از عین عبارات مذکور در قانون مجازات عمومی، همان اعمال را با تغییر مجازات حبس تأدیبی از یک‌ماه تا یک‌سال به حبس - بدون ذکر وصف آن - با همان حداقل و حداکثر از حیث میزان جرم شناخت. بدیهی است امکانات تکثیر و توزیع یا تولید چنین اشیایی در این مقطع زمانی، با زمان حاضر تطبیق نداشته و پیشرفت قابل توجهی کرده بود و تصویب قانون لاحق نیز در هنگامی صورت گرفت که نظام قضایی کشور در پی استقرار نظام جمهوری اسلامی متحول شده و قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ در راستای این تحولات به تصویب می‌رسید.

موضوع قانون مذکور جرم‌انگاری شده بود. در عین حال قانون مذکور به لزوم امحای نوارها و دیسک‌های مکشوفه تصریح کرده بود. در عین حال قیود مندرج در مواد ۲۱۳ مکرر قانون مجازات عمومی و ۱۰۴ قانون تعزیرات، از اعمال مجرمانه مربوط به تهیه و تکثیر و توزیع اشیای مذکور برداشته شده و جرایم پیش‌بینی شده، حوزه وسیع‌تری را دربر می‌گرفت.

در مرحله بعد و هم‌زمان با فراگیرشدن تجهیزات مربوط به تولید و تکثیر اشیا و آثار سمعی و بصری مذکور و پیچیده‌تر شدن فعالیت‌های مجرمانه در لایه‌های اجتماعی و در پی گذشتن مدت قابل توجهی از اتمام مدت اجرای آزمایشی قانون تعزیرات اسلامی و آثار مربوط به قواعد حاکم بر نسخ قوانین و بدون این‌که درخصوص نسخ یا عدم نسخ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند (مصوب ۱۳۷۲)، اظهار نظر صریحی بنمایند. با تصویب بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵، ابهاماتی را در رابطه با اعمال جرم‌انگاری‌شده قبلی ایجاد کرد، بدین ترتیب که ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی مجدداً از همان عبارات مندرج در مواد ۱۰۴ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ و ماده ۲۱۳ مکرر قانون مجازات عمومی برای تعریف اعمال مجرمانه استفاده نموده و تنها مجازات مربوط به اشخاص مرتکب اعمال مذکور را به حبس از سه‌ماه تا یک‌سال و جزای نقدی از یک‌میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا ۷۴ ضربه شلاق یا محکومیت به یک یا دو مجازات مذکور تغییر داد.

این ابهامات در نحوه تشخیص نسخ قوانین گذشته تا بدان جا پیش رفت که هیأت عمومی دیوان عالی کشور با صدور رأی شماره ۶۵۴ مورخ ۱۳۷۸/۰۹/۲۲ درخصوص نگهداری آثار مذکور، رفع اختلاف نمود. در این رأی با تلقی نسخ ضمنی قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند (مصوب ۱۳۷۲)، در موارد تعارض با ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵) از نگهداری صرف آثاری که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار می‌نمایند، جرم‌زدایی گردید.

سیر تحولات اجتماعی، هم‌زمان با گذشت زمان در سال‌های پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی تشدید شده و حاکمیت ارزش‌های اعتقادی بر هنجارهای اجتماعی، در کنار گرایش‌های سیاسی آن مقطع زمانی، منجر به تصویب قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند (مصوب ۱۳۷۲)، در مجلس شورای اسلامی گردید.

در این قانون ضمن بیان تعاریفی از اصطلاحات مبتذل و مستهجن که در ادبیات حقوق کیفری رایج شده بود، برای اولین بار داشتن نوارها و دیسک‌های مستهجن و مبتذل

شخصیت مجرم و مشکلات اجرایی پیش رو مورد تجزیه و تحلیل واقع خواهد شد.

۳-۱- نحوه به کارگیری اقدامات تأمینی

باتوجه به تعریف کلی اقدامات تأمینی، مبنی بر «تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم جنحه یا جنایت درباره مجرمان خطرناک، اتخاذ می‌کند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۵۲۸). درمی‌یابیم اثبات حالت خطرناک در مجرم، جرم را افزایش خواهد داد. «تکرار جرم یکی از پدیده‌های هزینه‌بر نظام کیفری است» (غلامی، ۱۳۸۲: ۲۸) که خود، معلول وجود حال خطرناک در فرد مجرم است، لذا اعمال نوعی پیشگیری واکنشی که از نظر ذاتی اقدامی پسینی است و پس از ارتکاب رفتار مجرمانه با استفاده از ابزارهای کیفری در مورد مجرمین خطرناک صورت می‌گیرد، امری ضروری است و به‌طور جدی مورد توجه نظام‌های گوناگونی قرار گرفته است (نیازپور، ۱۳۸۳: ۲۲۶-۱۶۹).

مسأله مهمی که در اعمال این اقدامات متصور است، مشخص کردن طبقات اجتماعی و گروه‌هایی است که خطرناک به‌نظر می‌رسند و یا در برخی مواقع به‌عنوان تهدیدی برای سیاست تثبیت‌شده یا نظم اخلاقی و اقتصادی موجود، خود را نشان می‌دهند (پیلو و سوتھیل، ۱۳۸۳: ۱۱۹).

در بررسی حالت خطرناک در مجرم، پنج موضوع سوابق مجرم، خصوصیات روحی مجرم، خصوصیات اخلاقی بزهکار، کیفیت ارتکاب جرم و جرم ارتكابی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

جرایم جنسی و خلاف عفت عمومی در بسیاری از موارد، مسبوق بر وجود حالات خطرناک که ناشی از موضوعات پنج‌گانه فوق، در شخص مجرم هستند ارتکاب می‌یابد، لذا علاوه بر این‌که به‌طور خاص در بند ۱ ماده ۶ و قسمت اخیر همین ماده و همچنین در ماده ۱۵ قانون اقدامات تأمینی^۱ به

نهایتاً در پی التهابات اجتماعی و بروز برخی ناهنجاری‌ها در زمینه فعالیت غیرمجاز در امور سمعی و بصری مقنن با رویکردی سختگیرانه‌تر نسبت به قبل، با استفاده از عنوان قانون مصوب ۱۳۷۲، قانون دیگری را در سال ۱۳۸۶ به تصویب رساند که علاوه بر جرم‌انگاری تمام اعمال موضوع قانون قبلی و رفع ابهامات موجود در این قضیه، ضمن بی‌اثر نمودن مفاد رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۶۴۵ مورخ ۱۳۷۸/۰۹/۲۲ عناوین مجرمانه دیگری را نیز با تعیین مجازات‌های شدید به این حوزه اضافه نمود.

ذکر این مراحل از قانون‌گذاری کیفری نه از باب بیان بخشی از تاریخچه قانون‌گذاری در موضوعی خاص، بلکه به‌منظور انعکاس سردرگمی سیاست کیفری، به‌شکل عدم تمرکز قبلی بر اهداف پیشگیرانه قانون‌گذاری است. در این روند قبل از این‌که نوبت نقد و بررسی مصادیق اعمال جرم‌انگاری شده برسد، امری پیشین جلب توجه می‌نماید که همان ابهام در اهداف سیاست‌گذار کیفری است.

اگرچه لزوم تغییر قوانین در پی تحولات و التهابات ناشی از ناهنجاری‌های اجتماع، امری انکارناپذیر و عقلانی بوده و از خصوصیات یک نظام قانون‌گذاری پویا است، لکن درهم‌ریختگی عبارات، کپی‌برداری از عبارات قوانین غیرمرتبط با زمان تصویب قانون لاحق و سردرگمی قانون‌گذار در تشخیص اهداف پیشگیرانه از قبل تعیین شده و موضوعات مورد نظر، نه‌تنها برای فرآیند قانون‌گذاری، امر پسندیده‌ای نیست، بلکه در امر پیشگیری از جرایم ناشی از ارزش‌های قابل حمایت از سوی جامعه هدف، آثار حداقلی به‌دنبال خواهد داشت.

۳- نقش اقدامات تأمینی و تعلیق اجرای مجازات در پیشگیری از جرایم جنسی و خلاف عفت عمومی با توسل به اقدامات قضایی

در این قسمت از مقاله، ابتدا نحوه به کارگیری تأسیس اقدامات تأمینی را در پیشگیری از تکرار جرایم جنسی و خلاف عفت عمومی و در ادامه نیز تأثیر تعلیق اجرای مجازات را - به‌عنوان یک تصمیم قضایی - در پیشگیری از این جرایم و بازسازی

^۱ - ماده ۱۵ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹: «هر مؤسسه‌ای که وسیله برای ارتکاب جرم گردد، از قبیل مؤسساتی که در آن‌ها فروش اجناس قاچاق یا مواد مخدر یا سمیات، غیر از آنچه برای احتیاجات طبی یا کشاورزی است، به‌عمل آید یا مؤسساتی که موجب تسهیل وسایل برای اعمال منافی عفت هستند، به دستور دادگاه که در ضمن حکم مجازات داده می‌شود، بسته خواهد شد.»

اجرای مجازات - که در مقطع زمانی فعلی جهت جلوگیری از ازدیاد جمعیت کیفری زندان‌ها مورد توصیه و تأکید است - بدون الزام محکوم‌علیه به انجام تکالیف موضوع مواد مذکور در آرای صادره از دادگاه‌ها مشاهده شده و اغلب آرای که براساس رویکرد مذکور صادر می‌شوند، در مرحله اجرا مواجه با موانعی که از عدم هماهنگی بین واحدهای مختلف قضایی و اداری مرتبط، منبعث می‌شود، می‌گردد و در اغلب موارد نیز به اداره سجّل کیفری اعلام نمی‌شود تا در سوابق محکوم‌علیه ثبت گردد. از این رو، انتظار نمی‌رود که فواید نقش پیشگیرانه آن‌ها در عرصه اجتماع، وضوح بیشتری می‌یابد.

اگرچه اجرای مجازات‌های حدی در جرایم جنسی و خلاف عفت عمومی قابل تعلیق نیست و محکومیت به چنین مجازات‌هایی مانع تعلیق اجرای مجازات در سایر جرایم نیز خواهد گردید، لکن تعلیق اجرای مجازات سایر محکومیت‌های مربوط به برخی از این جرایم که از نوع تعزیری یا بازدارنده باشند - به‌طور خاص - می‌تواند تأثیرات پیشگیرانه‌ای که در جای خود با اهمیت تلقی خواهند شد - از نظر درمان مجرمین جنسی نیازمند به این امر و در نتیجه جلوگیری از تکرار این جرایم - به‌جای گذارد. بدیهی است شناخت هرچه بیشتر علل و انگیزه‌های ارتکاب این دسته از جرایم مسیر را برای الزاماتی که مرجع قضایی در دوران تعلیق معین خواهد نمود، روشن‌تر نموده و استفاده از ابزارهای قانونی را، توسط مراجع قضایی تسهیل می‌نماید.

۳-۳- تأثیرگذاری رویه قضایی در اصلاح سیاست کیفری

شکل کلی تصمیم‌های قضایی که به‌طور مکرر اتخاذ می‌شود و در موارد مشابه از طریق الزام معنوی یا الزام قانونی مبنای صدور احکام سایر مراجع قضایی قرار گیرد، رویه قضایی نامیده می‌شود، لذا برای ایجاد رویه قضایی، رأی قاضی در موارد مشابه می‌بایستی بارها تکرار شود. رویه قضایی و قانون هر دو از منابع حقوق به‌شمار می‌روند. در عین حال در کشورهایی که حقوق مدون دارند، رویه قضایی باید متکی بر قانون باشد. غالباً رویه قضایی موارد ابهام و اجمال و سکوت قانون را برطرف می‌سازد و چنانچه قانون‌گذار با رویه قضایی که به قانون پیوند خورده موافق نباشد و آن را با هدف خود

نحوه اعمال این‌گونه اقدامات در مورد جرایم جنسی و خلاف عفت عمومی اشاره شده است، اعمال چنین اقداماتی باتوجه به منشأ وقوع جرایم جنسی و خلاف عفت عمومی در مواردی که متأثر از موارد پنج‌گانه فوق‌الذکر باشد، نیز برابر قانون، امکان‌پذیر است.

اگرچه در مورد مجرمین مکرر جنسی، انجام اعمال جراحی نظیر لوبوتومی جهت جلوگیری از تکرار جرم - به‌عنوان اقدام تأمینی - اخلاقاً ناپسند شمرده می‌شود، ولی پاره‌ای از قوانین، تدابیر شدید و غیرقابل برگشتی چون سترون کردن، اخته کردن یا لوبوتومی و ... را نیز پذیرفته‌اند، اما کشورهایی مانند فرانسه از قبول و پیش‌بینی این اقدامات که توهینی به شأن و کرامت انسان است، حتی اگر محکوم در این خصوص رضایت داشته باشد، خودداری می‌کنند (بولک، ۱۳۸۷: ۸۱).

بر این اساس تفکر استفاده از اقدامات تأمینی برای مجرمین جنسی به‌منظور جلوگیری از تکرار آن، به‌طور خاص در قوانین، تجلی داشته است.

دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی نیز در ذیل اصطلاح اقدامات تأمینی، ملاک مستندات لزوم تأدیه هزینه نکاح مستمنی، از بیت‌المال را دلیلی بر صحت و اصالت اقدامات تأمینی از نظر فقهی دانسته است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۵۲۸). با این حال، بنا به تصریح قانون اقدامات تأمینی، این اقدامات تنها علیه مجرمین و به‌موجب مقررات، با حکم دادگاه قابل اعمال است.

۳-۲- تعلیق اجرای مجازات در اقدامات قضایی پیشگیرانه

موارد پیش‌بینی‌شده در ماده ۲۸ و ۲۹ قانون مجازات اسلامی نقش پیشگیرانه استفاده از نهاد تعلیق اجرای مجازات را کاملاً برجسته نموده و هدف اصلی از تمسک قاضی دادگاه به این نهاد را دربر دارد، لکن به دلایل گوناگون، از جمله نبود امکانات لازم، عدم پیش‌بینی مقررات اجرایی مربوط به مراقبت‌های ضمن تعلیق اجرای مجازات و فقدان مؤسسات حمایتی لازم و کافی برای ایفای نقش، در طول مدتی که مجازات محکوم‌علیه، به آن میزان معلق شده است، عملاً مورد عنایت رویه قضایی قرار نگرفته و در اکثر موارد، رویکرد تعلیق

مغایر تشخیص دهد، با وضع قانون، رویه قضایی را بلااثر می‌سازد.

قانون‌گذاری کیفری در دوران قبل از انقلاب اسلامی از یک‌سو حامی ارزش‌های مذهبی در جرم‌انگاری هتک ناموس به عنف و هتک ناموس محارم و رابطه نامشروع زن شوهردار بوده و از سوی دیگر به حفاظت از ارزش‌های اجتماعی جاری در زمان خود، مانند حفظ بکارت دختران تا پیش از ازدواج - از طریق جرم‌انگاری ازاله بکارت - و همچنین جرم‌انگاری اعمالی مانند استفاده ممنوعه از اشیایی که عفت عمومی را جریحه‌دار می‌نمایند، همت گماشته بود. در عین حال نیم‌نگاهی نیز به ارزش‌های نوظهور در جامعه که از رسوخ جریان فکری غرب در جامعه آن زمان ناشی می‌شد، می‌انداخت، چنانکه با مطالعه مواد قانون مجازات عمومی هیچ نشانی از جرم‌انگاری انجام عمل جنسی توأم با رضایت طرفین بین مرد و زنی که فاقد صفت بکارت باشد، مشاهده نمی‌شد. بنابراین عملکرد رویه قضایی قبل از انقلاب اسلامی نمی‌توانست بدون در نظر داشتن ارزش‌های حاکم بر سیاست کیفری قانون‌گذار بر مقتضیات نظم اخلاقی و اجتماعی نیز تأثیر بگذارد. رویه قضایی حتی در تشخیص اوصاف عمل مجرمانه نیز باتوجه به اصول حاکم بر سیاست کیفری و اوضاع و احوال اجتماعی دخالت دارد. چنین دخالتی منحصر به دوران قانون‌گذاری قبل از انقلاب اسلامی ایران نبوده، بلکه در سایر نظام‌های حقوقی نیز مشاهده می‌شود.

به‌عنوان مثال، «در نظام حقوقی مبتنی بر رویه قضایی انگلستان چنانچه تحصیل رضایت در عمل جنسی با خدعه و فریب صورت گیرد، عمل انجام‌شده در حکم عملی است که توأم با عدم وجود رضایت ارتکاب یافته باشد، مثل موردی که کسی به زنی وانمود کرده بود که منظور وی از رابطه جنسی انجام یک معاینه پزشکی است. همچنین در پرونده دیگری در این نظام حقوقی، مردی با فریب‌دادن سه زن، نسبت به این‌که دارای تحصیلات پزشکی است و قصد انجام تحقیقاتی را در مورد سرطان سینه دارد، به معاینه سینه‌های آن‌ها پرداخته بود، از سوی محاکم انگلستان، علی‌رغم رضایت ظاهری زنان و باتوجه به فریب‌خوردن آن‌ها به ارتکاب تهاجم

وقیحانه و منافی عفت^۱ محکوم شد یا مانند موردی که مردی به زنی وانمود می‌کند که شوهر یا دوست پسر اوست و بدین‌شکل رضایت وی را به برقراری رابطه جنسی جلب می‌نماید» (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶: ۵۰۱).

در دوران پس از انقلاب اسلامی علی‌رغم این‌که تأثیر رویه قضایی از روش‌های مورد قبول در برخورد با این‌گونه جرایم به‌خوبی قابل مشاهده بود، در عین حال در کنار تمایل نسبی به واقعیات اجتماعی در هر مقطعی از زمان مربوط به این دوران، گرایش به اعتقادات مذهبی که ریشه در گذشته جامعه ایرانی نیز داشت، جایگاه ویژه‌ای را در شکل‌گیری رویه قضایی به خود اختصاص داد. برای نمونه مفهوم حرمت شرعی تا بدان‌جا مورد توجه قضات قرار می‌گرفت که ارتکاب عمل حرام را بدون این‌که به‌طور کامل با عناوین جزایی به‌خصوص ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، تطبیق نماید مورد مجازات قرار می‌دادند، لذا مرزهای بین جرم و گناه نسبت به هم قابل شناسایی نبود (حسینی، ۱۳۸۳: ۹۷).

شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه، از جمله در جریان بودن جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سال‌های اولیه وقوع انقلاب اسلامی نیز این وضعیت را تشدید می‌نمود، لذا با سپری‌شدن مدتی از این دوران و هم‌زمان با اتمام دفاع مقدس و فراگیر شدن روحیه سازندگی در جامعه و بازتر شدن فضای فرهنگی، در نتیجه ورود تکنولوژی‌های پیشرفته ارتباطی به کشور و گسترش استفاده از آن‌ها در بین آحاد جامعه، نوعی تعدیل در این گرایش پدید آمد که در شکل‌گیری رویه قضایی بی‌تأثیر نبود. تعدیل به‌وجود آمده در مبانی شکل‌گیری رویه قضایی، در دوران مرسوم به اصلاحات، به اوج خود رسیده و در برخی موارد آثاری نیز از خود به‌جا گذاشت.

در بستری که سیاست کیفری مقنن، بدون اهداف از پیش تعیین‌شده پایه‌ریزی شده و متون قانونی بعضاً با افراط و تفریط از الگوهای عبارتی و مفهومی قوانین گذشته که دارای مبانی متفاوتی بودند، تأثیر پذیرفته بود، متجلی می‌گشت، نقش رویه قضایی بسیار پراهمیت ظاهر شده و جامعه را تحت

^۱ - Indecent Assault

جامعه نیز بود، در کنار سایر جرایم از این نوع بود از یک جهت و تبعیت از فضای سیاسی - اجتماعی حاکم بر برهه زمانی مذکور - برای نمونه - که موجب شد بخشنامه صادره از سوی ریاست وقت قوه قضاییه که در راستای حمایت از آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی صادر شده بود، با همان متن در فاصله کوتاهی از زمان صدور، تبدیل به قانون مصوب مجلس گردد.^۳

از سوی دیگر سیاست جنایی حاکم بر تنظیم قواعد همچنان تأثیرات خود را به جا می‌گذاشت. برای نمونه و با هدف تأثیرگذاری بر رویه قضایی موجود ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری تصویب گشت^۴ و به موجب آن در کنار ممنوع‌شمردن هرگونه تحقیق در جرایم منافی عفت، به منظور رعایت اصل بزه‌پوشی و محدودکردن امکان اثبات این جرایم تنها در صورتی که به صورت مشهود ارتکاب یافته یا دارای شاکی خصوصی باشند، قابل تعقیب کیفری شناخته می‌شود. در این مورد نیز تحقیق در صورتی مجاز است که توسط قاضی دادگاه انجام پذیرد.

با بررسی این ماده به نکاتی برمی‌خوریم که علاوه بر قابل انتقادبودن، اهتمام قانون‌گذار را برای اصلاح رویه قضایی موجود در موضوع جرایم منافی عفت که افراط و تفریط‌هایی در آن مشاهده می‌شود، نشان می‌دهد، البته ذکر این نکات در این قسمت خالی از فایده نخواهد بود.

اولاً قانون‌گذار برخلاف اصول حاکم بر جرم‌انگاری این‌گونه اعمال در فقه امامیه که مستقیماً منشأ قانون‌گذاری کیفری قرار گرفته است، احتمال وجود شاکی خصوصی را در این‌گونه جرایم به رسمیت شناخت. اتخاذ چنین سیاستی، الگوبرداری از

تأثیر خود قرار داد تا جایی که براساس قاعده جاریه در مصوبه‌های پس از این دوران، تأثیر فراوانی از خود نشان داد.^۱ از طرف دیگر رویه قضایی - بعضاً - در سال‌های پس از انقلاب اسلامی در رسیدگی به جرایم منافی عفت با تمسک به اصل بزه‌پوشی دین مبین اسلام در این دست از جرایم، تا آنجا پیش رفت که حتی در تشخیص به‌کارگیری این اصل در مواردی که عمل منافی عفت یا زنا توأم با عفت و یا دارای وصف احصان باشد، دچار ابهام گردید. علاوه بر اصل مذکور اختلاف نظرهای مقطعی بین حقوق‌دانان و مسؤولین قضایی درخصوص میزان اعتبار اقرار متهم در نهاد دادسرا نیز مستمسکی برای نادیده‌گرفتن جرایم مرتکبین این‌گونه اعمال که در صورت اثبات، اجرای حد شرعی را به دنبال داشت، تلقی می‌شد.^۲

مقنن نیز به پیروی از موازین شرعی با الحاق تبصره‌ای به ماده ۳ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مصوب ۱۳۷۲ که با هدف احیای دادسراها در نظام قضایی کشورمان به تصویب رسید، با فرض تزلزل اعتبار اقرار متهم به جرایم زنا و یا لواط در دادسرا، اصولاً رسیدگی به آن‌ها را مگر در موارد خاص به طرح مستقیم و بدون کیفرخواست در دادگاه موکول نمود. با توجه به چنین تأسیسی، تفاوت جرایم زنا یا لواط یا جرایم مادون آنکه در همین دسته به‌عنوان جرایم منافی عفت طبقه‌بندی می‌باشند، از حیث نحوه رسیدگی که منوط به رسیدگی مقدماتی و صدور کیفرخواست است، مجهول می‌ماند. تشدید گرایش رویه قضایی به صدور احکام برائت نسبت به جرایم جنسی و اعمال منافی عفتی که توأم با عفت بوده یا برخلاف ارزش‌های خانوگی حاکم بر

۱- در ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ عبارت «رابطه نامشروع» با الگوبرداری از معنای به‌کارگیری شده در قانون مجازات عمومی به متن مصوب قبلی در ماده ۱۰۱ قانون مجازات اسلامی مربوط به سال ۱۳۶۲ اضافه می‌شود و بدین ترتیب محدوده‌ی جرم‌انگاری را موسع می‌نماید.

۲- با این روش در مواردی که دادگاه‌های کیفری قصد داشتند بنا به هر دلیلی متهم را به مجازات مربوط به این جرایم محکوم نکنند، از این استدلال که «اقرار متهم در دادسرا اخذ شده و ارزش اثباتی ندارد» استفاده می‌کردند. در عین حال در صورت جلسه تنظیمی در دادگاه انکار متهم را صورت جلسه نموده و ضمیمه پرونده می‌نمودند. در این زمینه پرونده‌های بی‌شماری در بایگانی‌های دادگستری وجود دارد.

۳- قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۵ مجلس شورای اسلامی.

۴- ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و تبصره ذیل آن: «در غیر موارد منافی عفت، دادرسان و قضات تحقیق می‌توانند اجرای تفتیش یا تحقیق از شهود و مطلعین یا جمع‌آوری اطلاعات و دلایل و امارات جرم یا هر اقدام دیگری که برای کشف جرم لازم بدانند، با تملیمات لازم به ضابطین ارجاع کنند. این اقدامات ارزش اماره قضایی دارد.

تبصره: تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع است، مگر در مواردی که جرم مشهود باشد و یا دارای شاکی خصوصی بوده که مورد اخیر توسط قاضی دادگاه انجام می‌گیرد.»

این صورت اگر علی‌رغم جرم‌دانستن عملی با روش‌های متفاوت، مانع از مجازات مقرر بر آن شویم آثار پدیده کیفری در عرصه حقوق داخلی که با تحقق اهداف پیشگیرانه مغایرت دارد، گریبان‌گیر جامعه خواهد شد و تجزیه افراد در معرض ارتکاب بزه را نسبت به سایر جرایم نیز به‌دنبال خواهد داشت.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: به‌صورت برابر بوده است.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- بولک، برنار (۱۳۸۷). *کیفرشناسی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ ششم، تهران: انتشارات مجد.
- بیلو، مویرا و سوت‌هیل، کیت (۱۳۸۳). *شناخت جرم‌شناسی*. ترجمه میرروح‌الله صدیق، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۸). *ترمینولوژی حقوقی*. جلد اول، چاپ هفتم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۳). *رابطه مفهوم شرعی گناه و مفهوم حقوقی جرم و نسبت تحریم و تجریم (مجموعه مقالات علوم جنایی در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)*. چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت).
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. جلد پنجم، چاپ دوم، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

سیاست کیفری قانون‌گذار در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی را تداعی می‌کند که در مواردی از قانون مجازات عمومی، نقش شاکی خصوصی را در این دسته از جرایم برجسته نموده و حتی در برخی موارد با گذشت شاکی قائل به موقوفی تعقیب کیفری می‌گشت^۱؛ ثانیاً قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری که از قوانین شکلی کیفری تلقی می‌شود، ناخواسته به تبیین ماهیت امر جزایی می‌پردازد که این امر برخلاف عرف حاکم بر قانون‌گذاری کیفری است.

نتیجه‌گیری

اگر جرایم منافی عفت جز با شکایت شاکی خصوصی یا در صورت عدم ارتکاب به‌صورت مشهود قابل تعقیب کیفری نباشند، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری نمود که این دسته از جرایم در صورتی که در سایر حالات ارتکاب یابد، جرم‌زدایی شده است، اگرچه چنین برداشتی از قانون مجازات ۱۳۹۲ به هیچ‌وجه با موازین شرعی سازگار نیست، با به‌کارگیری روش منطقی صرف در تفسیر عبارات قانون مورد اشاره درخصوص جرایم جنسی به چنین معنایی دست خواهیم یافت، لذا به‌نظر می‌رسد مقنن در مقام تعدیل رویه قضایی موجود و نجات آن از افراط و تفریط در رسیدگی به این دسته از جرایم و حفظ آزادی‌های مشروع افراد به این خطا دچار شده است.

در هر حال در صورتی که الزامات اجتماعی جرم‌زدایی از برخی عناوین این دسته از جرایم ایجاب می‌نماید، بایستی از روش‌های صحیح حقوقی و علمی استفاده نمود. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر اختیارات مطلقه برای ولایت فقیه در اداره جامعه اسلامی است، استفاده از ظرفیت مربوط به احکام فقهی ناشی از رعایت مصلحت نظام که در رده‌های بعد از احکام شرعی اولیه و ثانویه قرار می‌گیرد، برای نیل به این منظور پیشنهاد می‌شود. به این ترتیب می‌توان با انسجام‌بخشیدن به سیاست جنایی حاکم بر نظام حقوقی، اهداف پیشگیرانه کیفری را با وضوح بیشتری تبیین نموده و آن‌ها را با اطمینان لازم محقق نمود. در غیر

^۱- جنحه و جنایت مذکور در مواد ۲۰۷، ۲۰۸ و ۲۰۹ مکرر و فقره دوم ماده ۲۱۲ قانون مجازات عمومی موضوع قسمت اخیر ماده ۲۱۲ مکرر همان قانون، در صورتی که ازدواج بین مرتکب و مجنی‌علیها ممکن بوده و این ازدواج به‌عمل آید.

- شریفی خضارتی، امیر (۱۳۹۰). *انحرافات جنسی (مطالعه تطبیقی جرم‌شناسی و فقهی)*. چاپ دوم، تهران: انتشارات اندیشه عصر.
- غلامی، حسین (۱۳۸۲). *تکرار جرم در حقوق کیفری و جرم‌شناسی*. چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۸). *جنسیت و خشونت*. چاپ اول، تهران: نشر گل‌آذین.
- معین، محمد (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی معین*. جلد اول، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۶). *حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)*. جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۳). «حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران». *مجله حقوقی دادگستری*، ۶۸(۴۹-۴۸): ۱۶۹-۲۲۶.

ب. منابع انگلیسی

- Susan, E (2006). *Wild Webster's New World (Law Dictionary)*. 2nd ed., Canada: Wiley publishing Inc.
- Garner, BA (1999). *Black's Law Dictionary*. 7th ed., U.S: West Publishing Company.